توسعه ایرانی
روزنامه صبح
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیرمسئول: مسعود حیدری
زیرنظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۶۶۹۵۶۶۰۰(۰۲۱)
نشانی سایت: toseeirani.ir
اینستاگرام: @tosee.irani
ایمیل: toseeirani@gmail.com

منهای فوتبال

پیروزی دوم شاگردان کمپدلی

شاگردان الساندرا کمپدلی در تیم ملی والیبال بانوان، روی دور برد هستند. این پیروزی‌ها البته در دیدارهای دوستانه رقم خورده است اما به هر حال می‌تواند انگیزه را در ملی‌پوشان پررنگ کند. تیم والیبال بانوان ایران مدتی است که برای اردوی برون‌مرزی راهی صربستان شده است. این تیم تا الان دو دیدار دوستانه برابر تیم‌های باشگاهی این کشور برگزار کرده که در هر دو با پیروزی به کار خود پایان داده است. آنها در مسابقه دوم به مصاف باشگاه تنت صربستان رفتند و با نتیجه سه بر دو حریف خود را شکست دادند. شاگردان کمپدلی که در ست ابتدایی با نتیجه ۱۵ بر ۲۵ نتیجه بازی را به تیم تنت واگذار کرده بودند، در ست دوم با نتیجه ۲۵ بر ۲۱ بر حریف غلبه کردند. ست سوم ۲۵ بر ۲۲ به نفع تیم تنت به پایان رسید و تیم ملی ایران در دوست پایانی به ترتیب با امتیازهای ۲۵ بر ۱۱ و ۱۵ بر هفت فاتح میدان شد. ایران امروز نیز یک دیدار دوستانه دیگر خواهد داشت. از زمانی که کمپدلی روی نیمکت ایران نشسته و البته دست به جوانگرایی زده است، نگاه‌های بسیاری به این تیم معطوف شده و انتظار موفقیت از آن می‌رود.

شمشیربازی در خطر گرداب بلاتکلیفی

بلاتکلیفی یکی از بدترین بلاهایی است که ممکن است سر یک فدراسیون بیاید. وقتی که دوره ریاست تمام می‌شود و نه خبری از تایید صلاحیت‌ها است و نه تاریخ برگزاری مجمع، همه چیز تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و اوضاع آن رشته به شدت رو به نابسامانی می‌رود. این موضوع به خصوص در چند ماهه آخر سال ۱۴۰۰ به وضوح در چند فدراسیون دیده شد و آسیب‌های وارده در برخی از آنها کماکان جبران نشده باقی مانده است. حالا به نظر می‌رسد این شرایط در انتظار فدراسیون شمشیربازی هم هست. فضل‌الله باقرزاده رییس فدراسیون شمشیربازی امروز (یکشنبه ۲۵ اردیبهشت) آخرین روز دوره خود را سپری می‌کند. ثبت‌نام از کاندیداها هم بهمن سال ۱۴۰۰ انجام شده اما هنوز هیچ خبری از تعیین تاریخ برگزاری انتخابات نیست. این احتمال وجود دارد وزارت ورزش مثل فدراسیون تیر و کمان تا زمان برگزاری انتخابات برای فدراسیون سرپرست تعیین کند. باقرزاده رییس فعلی فدراسیون، رضا حدادیان مالک باشگاه نساجی و عضو هیات رییسه فدراسیون شمشیربازی، محمد رحیمی و شهرام ضمیریان رییس سابق هیات شمشیربازی گیلان برای احراز پست ریاست کاندیدا شده‌اند. شمشیربازی مسابقات قهرمانی آسیا و قهرمانی جهان را در پیش دارد و اسیر شدن در گرداب بلاتکلیفی خطر بزرگی برای این رشته محسوب می‌شود.

پرونده بازنشستگی داورزنی دوباره باز شد

یکی از کسانی که بارها موضوع بازنشستگی و ممنوعیت کارش در راس فدراسیون مطرح شده، محمدرضا داورزنی است. کسی که سال‌ها در راس فدراسیون والیبال حضور داشت و به خاطر این رشته که در خطر از دست دادن سهمیه المپیک توکیو بود، قید معاونت وزارت ورزش را زد و به این فدراسیون بازگشت. حالا در شرایطی که او کماکان معتقد است قوانین بازنشستگی شامل حالش نمی‌شود و ابلاغیه‌ای هم در این باره به دستش نرسیده، بر مسند ریاست والیبال تکیه زده است. البته موضوع بازنشستگی رضا صالحی‌امیری رییس کمیته ملی المپیک که نامه‌اش اخیرا در رسانه‌ها منتشر شده و خودش هم آن را تایید کرده، پرونده داورزنی را هم دوباره باز کرده است.

گفته می‌شود داورزنی با توجه به داشتن ۶۰ سال سن و ۳۵ سال سابقه کار، بازنشسته محسوب می‌شود اما خود او عنوان کرده که دولت قبل پذیرفته تا پایان دوره چهار ساله به کارش ادامه دهد. او همچنین به بررسی این موضوع در کمیسیون مربوطه تاکید کرد و به نظر می‌رسد با وجود مسیر شلوغ و حساس تیم ملی والیبال، ممکن است در ماه‌های آینده شاهد کنار رفتن داورزنی از ریاست فدراسیون والیبال باشیم.

لیگ برتر و انتظار معرفی یک قهرمان ایرانی جدید

مرد دهم!

شکل عجیبی صاحب جام قهرمانی کرد. اولین قهرمانی تاریخ لیگ، آخرین قهرمانی پروین در تاریخ فوتبال ایران نیز به شمار می‌رفت و این مربی هرگز نتوانست چنین موفقیتی را تکرار کند. حتی خود پرسپولیسی‌ها نیز برای بردن دوباره لیگ برتر در فوتبال ایران، ۶ سال صبر کردند. به هر حال پروین اولین مربی ایرانی بود که توانست یک دوره از رقابت‌های لیگ برتر را فتح کند.

آریاطاری

در ۲۰ دوره سپری شده از رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران، تا امروز ۹ مربی ایرانی توانسته‌اند به قهرمانی دست پیدا کنند. اگر قهرمانی استقلال با فرهاد قطعی شود، او تبدیل به دهمین مربی ایرانی خواهد شد که توانسته لیگ را از آن خودش کند. جالب اینکه از بین ۹ مربی ایرانی قهرمان تاریخ لیگ برتر، ۶ نفر دیگر نتوانسته‌اند این موفقیت را تکرار کنند و اولین قهرمانی‌شان در این رقابت‌ها به آخرین قهرمانی‌شان تبدیل شده است. داستانی که بدون تردید فرهاد قصد دارد مقابل آن بایستد. هرچند که قهرمانی تیم او در لیگ برتر هنوز قطعی نشده است.

علی پروین

سرمربی نوستالژیک قرمزها، اولین مربی ایرانی بود که لیگ برتر را فتح کرد. داستان قهرمانی پرسپولیس در آن فصل، دیگر یک داستان کاملا تکراری است و بارها مرور شده است. قرمزها در سه هفته پایانی لیگ چهار امتیاز کم‌تر از رقیب داشتند و اصلا تصور نمی‌کردند شانسی برای قهرمانی به دست بیاورند اما استقلال پور حیدری ناگهان دچار افت شدید شد و نتوانست خودش را در مسیر موفقیت حفظ کند. شکست ناباورانه استقلال در دیدار پایانی روبه‌روی ملوان و برد نزدیک و میلی‌متری پرسپولیس روبه‌روی فجر سپاسی، سرخ‌ها را به زیادی را در اختیار داشت. سپاهان در طول فصل فاصله امتیازی نسبتا خوبی با رقبا ایجاد کرد و در نبرد با پرسپولیس، توانست قهرمان زودهنگام رقابت‌های دومین دوره لیگ برتر شود. خیلی‌ها انتظار داشتند این شروع موفقیت‌های بزرگ فرهاد کاظمی در فوتبال ایران باشد اما او هم مثل پروین بعد از اولین قهرمانی‌اش در لیگ برتر، دیگر هرگز نتوانست در چنین موقعیتی قرار بگیرد. کاظمی هدایت تیم‌های بسیار زیادی را بر عهده گرفت اما هرگز حتی نزدیک به قهرمانی لیگ هم نشد و در مربیگری مسیر چندان رو به جلویی نداشت.

مجید جلالی

یک موفقیت بزرگ که تکرار آن حتی در رویاها نیز اتفاق نیفتاد. عجیب است که سرنوشت مجید جلالی بعد از بردن لیگ برتر هم شبیه مربیان قبلی شد. جلالی در سومین دوره لیگ برتر با پاس تهران به تخت قهرمانی تکیه زد. تیمی که با ستاره‌هایی مثل جواد نکونام و آرش برهانی ساخته شده بود، توانست استقلال را در کورس قهرمانی مغلوب کند و جام بگیرد. این آخرین قهرمانی جلالی در رقابت‌های لیگ برتر بود و او هم مثل مربیان قبلی نتوانست این موفقیت را دوباره تکرار کند. این بار علاوه بر خود جلالی، حتی باشگاه پاس تهران هم قادر به تکرار این موفقیت نبود. باشگاهی که پس از مدتی به همدان منتقل شد و سپس به طور کامل طعم انحلال را چشید.

امیر قلعه‌نویی

پرافتخارترین مربی تاریخ رقابت‌های لیگ برتر، اولین مربی ایرانی بود که توانست در این لیگ از قهرمانی‌اش دفاع کند و موفقیت‌های بیشتری را نیز به دست بیاورد. ژنرال اولین بار در لیگ برتر پنجم با استقلال روی سکوی اول ایستاد و این موفقیت بزرگ را در لیگ برتر هشتم تکرار کرد. او در لیگ‌های نهم و دهم نیز با سپاهان به قهرمانی رسید و آخرین قهرمانی‌اش در لیگ برتر تا امروز را در دوازدهمین دوره با استقلال تجربه کرد. پنج قهرمانی در ۲۱ فصل، موفقیتی فوق‌العاده برای این مربی به شمار می‌رود. قلعه‌نویی یکی از دو مربی تاریخ لیگ برتر است که توانسته لیگ را با دو تیم مختلف از آن خودش کند.

علی دایی

قهرمانی علی دایی در لیگ برتر در قامت یک مربی، در نوع خودش عجیب بود. چراکه او این موفقیت را به عنوان بازیکن-مربی به دست آورد. شهریار بازیکن سایپا بود که ورنر لورانت بعد از تنها چند هفته این تیم را ترک کرد. باشگاه نیز به ستاره‌اش اعتماد کرد و او را به عنوان بازیکن-مربی در تیم قرار داد. نقشه‌ای که کاملا جواب داد و دایی اولین قهرمانی تاریخ سایپا در لیگ برتر را رقم زد. دایی مدتی بعد از این اتفاق سرمربی تیم ملی شد اما نه در این تیم موفق بود و نه با تیم دیگری توانست لیگ برتر را ببرد. او در سال‌های بعدی مربیگری‌اش فقط دو جام به دست آورد که هر دو جام با پرسپولیس در رقابت‌های حذفی فوتبال ایران به دست آمدند. دایی در دوران خودش جوان‌ترین مربی قهرمان لیگ برتر به حساب می‌آمد.

افشین قطبی

داستان قهرمانی افشین قطبی در فوتبال ایران نیز داستان عجیبی بود. قطبی که در هلند و کره جنوبی سابقه کار کردن داشت، برای فوتبال ایران چهره‌شناخته‌شده‌ای به شمار نمی‌رفت اما ناگهان سرمربی پرسپولیس شد و به سرعت توانست محبوبیت زیادی در تیم به دست بیاورد. افشین از همان هفته‌های ابتدایی به هواداران تیمش قول قهرمانی داد و با کلیدواژه‌هایی مثل «قلب شیر» به دنبال رسیدن به موفقیت بود. تیم او البته حواشی زیادی داشت. چراکه رابطه پرنوسانی بین قطبی و دستیارانش استیلی و مرزبان و همچنان برخی ستاره‌های تیمش مثل نیکبخت وجود داشت. آن تیم با ماجرای عجیبی مثل کسر ۶ امتیاز هم روبه‌رو شد اما با یک برد فراموش نشدنی مقابل سپاهان، توانست قهرمانی لیگ را به دست بیاورد تا قطبی هم به قولش عمل کرده باشد. این تنها موفقیت قطبی در فوتبال ایران بود. مردی که فصل بعد در پرسپولیس، مدتی بعد در تیم ملی و چند سال بعد در فولاد خوزستان دیگر اصلا موفق نبود.

مربی تاریخ رقابت‌های لیگ برتر، اولین مربی ایرانی بود که توانست در این لیگ از قهرمانی‌اش دفاع کند و موفقیت‌های بیشتری را نیز به دست بیاورد. ژنرال اولین بار در لیگ برتر پنجم با استقلال روی سکوی اول ایستاد و این موفقیت بزرگ را در لیگ برتر هشتم تکرار کرد

فرهاد کاظمی

یک سال بعد از موفقیت پرسپولیس، نوبت به یک تیم شهرستانی رسید که لیگ برتر را از آن خودش کند. سپاهان با هدایت فرهاد کاظمی، تیم شایسته‌ای برای بردن جام به نظر می‌رسید. تیمی که از آرمناک پطروسیان در خط دروازه تا عبدالوهاب ابولهیل و... ستاره‌های

حسین فرکی

قبل از هدایت فولاد در لیگ برتر سیزدهم، دستیاری برانکو در جریان جام جهانی ۲۰۰۶ مهم‌ترین تجربه کاری فرکی در فوتبال ایران به شمار می‌رفت. فرکی اما یک نسل تازه از ستاره‌های فولاد را به قهرمانی رقابت‌های لیگ برتر رساند. تیمی که ستاره‌هایی مثل بختیار رحمانی، آرش افشین و سروش رفیعی را در اختیار داشت. این قهرمانی در نبرد سخت با پرسپولیس به دست آمد. فرکی بعد از موفقیت در فولاد، راهی باشگاه سپاهان شد و با این تیم هم به شکل عجیبی قهرمانی لیگ برتر را به دست آورد. این قهرمانی از آن جهت عجیب بود که تا آخرین لحظات تراکتور در بازی همزمان روی سکوی اول قرار داشت اما تراکتوری‌ها برد را از دست دادند و سرانجام این سپاهان بود که با حضور سرمربی مسنش قهرمان رقابت‌های لیگ برتر شد. این دومین قهرمانی پیاپی فرکی در فوتبال ایران به حساب می‌آمد.

عبدالله ویسی

شگفت‌انگیزترین قهرمانی رقابت‌های لیگ برتر بدون شک برای حسین فرکی و استقلال خوزستان به دست آمده است. تیمی که هیچکس انتظار نداشت بتواند قهرمان رقابت‌های لیگ برتر شود. استقلال خوزستان یک سال بعد از صعود به رقابت‌های لیگ برتر از دسته‌های پایین‌تر، در آستانه سقوط قرار داشت و به سختی در لیگ ماند گار شد. همان تیم اما

شگفت‌انگیزترین قهرمانی رقابت‌های لیگ برتر بدون شک برای حسین فرکی و استقلال خوزستان به دست آمده است. تیمی که هیچکس انتظار نداشت بتواند قهرمان رقابت‌های لیگ برتر شود

باجذب چند ستاره فولاد نوین مثل حسن بیت‌سعید، ناگهان نسخه ایرانی باشگاه لسترسیتی را ساخت و در نهایت به لطف تفاضل گل بهتر نسبت به پرسپولیس، قهرمان رقابت‌های لیگ برتر لقب گرفت. بعد از این موفقیت، ویسی راهی سپاهان شد اما در این تیم و تیم‌های بعدی‌اش اصلا موفق نبود.

یحیی گل‌محمدی

دوران نسبتا طولانی انتظار یحیی برای بردن لیگ، سرانجام در پرسپولیس به پایان رسید. او بعد از یک دوره کار در این باشگاه و هدایت چند تیم دیگر، به جمع قرمزها برگشت و با این تیم به قهرمانی لیگ برتر نوزدهم دست پیدا کرد. یحیی و تیمش در لیگ برتر بیستم هم قهرمان شدند و حالا برای بردن لیگ بیست و یکم مبارزه می‌کنند. هرچند که شانس زیادی برای رقم زدن این اتفاق ندارند و بعید است که بتوانند در این رقابت‌ها شانسی برای قهرمانی داشته باشند.

اتفاق روز

مهاجرت، واژه آشنای این روزهای وزنه‌برداری

هر روز یک کوچ!

تنها مدت کوتاهی بعد از اولین بارقه‌های امید در وزنه‌برداری بانوان ایران، خبر مهاجرت دو ستاره این تیم شوک و حشتناکی به ورزش کشور وارد کرد. یکتا جمالی و پریسا جهانفکریان به هر دلیلی تصمیم به ترک ایران گرفتند و دیگر در ترکیب تیم ملی وزنه‌برداری کشور دیده نخواهند شد. این اولین بار نیست که ورزش ایران ستاره‌هایی به این مهمی را به راحتی از دست می‌دهد. جهانفکریان در حالی استوری خداحافظی با کشور را منتشر کرده که بارسیدن به سهمیه المپیک توکیو توانسته بود همه طرفداران ورزش در ایران را خوشحال کند. او البته به دلیل مصدومیت و البته بی‌اعتنایی فدراسیون در پیگیری سهمیه‌ها نتوانست در رقابت‌های المپیک شرکت کند. جدایی این ستاره‌ها به هر دلیلی اتفاق بسیار بدی برای ورزش ایران است، چراکه طرفداران وزنه‌برداری در کشور امیدوار بودند مطرح شدن این نام‌ها بتواند شروعی برای یک روند بسیار مهم در ورزش باشد. این که این چهره‌ها به همین سرعت به بن‌بست رسیدند خبر خوبی به حساب نمی‌آید و اینکه تیم ملی وزنه‌برداری ایران دوباره به نقطه صفر بازخواهد گشت نیز اصلا اتفاق مثبتی نیست. با این وجود همواره این احتمال وجود دارد که چهره‌های جدیدی بتوانند به وزنه‌برداری معرفی شوند و پدیده‌های تازه بتوانند در این رشته ورزشی بدرخشند. هرچند در این مورد نمی‌توان مدیریت ضعیف فدراسیون را نادیده گرفت. وزنه‌برداری بانوان ایران رشته نوپایی است اما با این حال خیلی زود افتخارآفرینی را شروع کرد. فدراسیون اما به جای حمایت و برنامه‌ریزی درست برای بانوان راه دیگری در پیش گرفت تا انگیزه را در بین دختران این رشته به حداقل برساند. به عنوان مثال از آخرین اتفاقات در این فدراسیون موضوع بازنشستگی علی مرادی رئیس فدراسیون است که ماه‌ها این فدراسیون و این رشته را در بلاتکلیفی و سردرگمی نگه داشت.

در هر حال کوچ ستاره‌ها از ورزش ایران به مقصد کشورهای دیگر معمولا به چند دلیل کلی اتفاق می‌افتد. در درجه اول مدیران ورزش در ایران به خوبی دغدغه‌های این ورزشکاران را نمی‌شناسند و نمی‌دانند که چطور باید از آنها مراقبت کنند. گاهی یک دلجویی ساده و کمی توجه برای ماندن آنها در ورزش ایران کافی خواهد بود اما همین اتفاق ساده نیز برای آنها رخ نمی‌دهد. مشکل مهم بعدی همه افراد سرشناس هستند که به هر نوعی با ورزش بانوان در ایران زاویه دارند و مدام به این ستاره‌ها انرژی منفی می‌فرستند. آنها معتقدند که زن‌ها نباید در ورزش ایران به ستاره تبدیل شوند. دلیل بعدی نیز خود این ستاره‌ها هستند که معمولا به هیچ وجه تحمل کوچک‌ترین ناملایمتی را ندارند و منتظر اولین فرصت به سر می‌برند تا ایران را ترک کنند. شاید اگر آنها کمی به کشورشان علاقه بیشتری داشته باشند، می‌توانند سختی‌ها را تحمل کنند. همان‌طور که بسیاری از ورزشکاران دیگر نیز با وجود همه مشکلات ریز و درشت تصمیم به ترک ایران نگرفتند. با بررسی همه ابعاد ماجرا، این معادله‌ای است که باید هرچه زودتر حل شود تا ورزشکاران بیشتری تصمیم به ترک کشور نگیرند. اگر افرادی در این زمینه مرتکب قصور شدند باید با برخورد روبه‌رو بشوند. بسیار مهم است که ورزش ایران به همین سادگی چنین فرصت‌هایی را از دست ندهد و از این استعدادها خالی نشود. چراکه از دست دادن هر ستاره به معنای از دست دادن ده‌ها مدال مختلف و از دست رفتن فرصت درخشش در رقابت‌های مختلف خواهد بود. همچنین وقتی یک ورزشکار به همین سادگی کشور را ترک می‌کند، این پیام به افراد دیگر نیز می‌رسد که به جای ماندن، ساختن و جنگیدن به دنبال راهی برای فرار از کشور و عبور ساده از بحران‌ها باشد. این انتخاب ساده‌ترین راه ممکن است اما ساده‌ترین راه همیشه بهترین راه نخواهد بود. همان‌طور که بسیاری از ستاره‌های دیگری که در این سال‌ها از ورزش ایران جدا شدند و نتوانستند راهی برای خودشان در کشور دیگری پیدا کنند.